

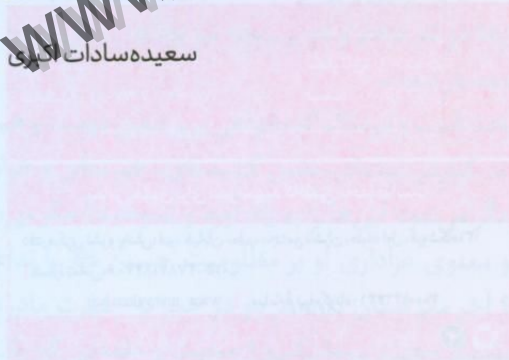
له خالسا ۹۱ زهرا زانما لقصه لاد

برای ۱۶ ساله ها
عاشقانه های
زندگی داستانی
شهریه باغبیه کشاورز
سعیده سادات اکبری



عاشقانه های برای ۱۶ ساله ها

زندگی داستانی
شهریه باغبیه کشاورز
سعیده سادات اکبری



مشهدی های گشتند و سر میزدند...
فقط خورگت که بی داند بخندار...
و غمزدنای خون پوست شویات را که همین چند لایه پیش در گنارت

::: مقدمه

شامگاه بیست و چهارم فروردین سال ۱۳۸۷ در «حسینیه سیدالشهداء» شیراز وابسته به کانون فرهنگی رهپویان وصال در میانه عزاداری و آن زمان که نغمه «بی تو ای صاحب زمان» مداح فضای حسینیه را عطرآگین کرده بود و دل از دلدادگان حریمش می‌رود، هنوز نوای «کی شود آبی نظاره بردل اندازی تو یارا» تمام نشده بود و به گوش می‌رسید که در چشم برهم زدنی انفجاری مهیب، حسینیه را زیر و رو کرد و ۱۴ نفر از رهپویان و پاکان این شهر که در میان آن‌ها دو نفر دختر و دو پسر بچه نیز بودند، بر زمین لرزیدند و پاک‌شان نظر شد و پسند یار شدند.

سخت است و دردناک که بخواهی پریر شدن دوست و هم هیئت‌ات را که سال‌ها در کنارش بوده‌ای، نفس کشیده‌ای، خورده‌ای و خوابیده‌ای نظاره‌گر باشی. مگر می‌شود این‌ها را به یاد آورد و نسوخت؟ مگر می‌شود لحظه‌های نورانی و معنوی عزاداری او بر مظلومیت حسین علیه السلام را تداعی کرد و اشک نریخت؟ آخر مگر امکان دارد هر دو در حب به حضرت مادر علیها السلام ذوب شوید اما به یکدیگر محبت پیدا نکنید؟ محبت و علقه‌ای که یک سر دلت را به مشهدالرضا می‌کشاند و سر دیگرش را به کربلا و قطعاً آن را در هیچ مجلس و محفلی جز مجلس عزای حسین نخواهی یافت.

فقط خداست که می‌داند چقدر عذاب‌آور است بخواهی قطعه‌های بدن و قطره‌های خون دوست شهیدت را که همین چند ثانیه پیش در کنارت

نشسته بود و داشت بر فراق امام حی و زنده می‌گریست را حالا بر در و دیوار حسینیه نظاره‌گر باشی. حالا اما میان او و تو فاصله‌ای است که پرنمی‌شود مگر آنکه تو هم شهید بشوی. فاصله‌ای که او و جایگاهش را دست نیافتنی کرده. «عند ربهم یرزقون» جایگاه میهمانان سفارشی خداست، همان‌طور که در کلام خداوند آمده است. آری شهید نزد خداوند روزی می‌گیرد و جایگاهی در عالم خلقت دارد که هیچ جایگاهی با آن قابل قیاس نیست.

www.ketab.ir